

اباذر خیری*

چکیده

فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، موجب شده است که روابط و سیاست منطقه‌ای ترکیه وارد مرحله جدیدی شود. در این مقاله، نویسنده با اشاره به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی، آثار آن را بر موقعیت سیاسی جدید ترکیه در منطقه بررسی کرده است. از دید وی، در صورت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی، منطقه خاورمیانه به شدت تحت تأثیر چنین روندی خواهد بود و ترکیه می‌کوشد با طرح و پی‌گیری چنین هدفی هم اهداف و منافع خود و هم غرب را دنبال کند. از این رو می‌توان گفت که هدف ترکیه از حضور گسترده در این منطقه، از یک سو در جهت توسعه و تکمیل سیاستهای اتحادیه اروپایی و از سوی دیگر، هرگونه نقش آفرینی ترکیه در منطقه در جهت بالا بردن اهمیت خود نزد غرب و پر کردن بخشی از خلاء کاهش اهمیت راهبردی این کشور در وضعیت فعلی نظام بین‌المللی است. اما با وجود اینکه سیاستهای منطقه‌ای ترکیه با موانع و چالشهایی مواجه شده است، با قدرت و جدیت بیشتر در شرایط مساعد امروز پی‌گیری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی ترکیه، اتحادیه اروپا، منطقه خاورمیانه، امنیت

منطقه‌ای، منازعه، سکولاریسم

* فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی (دانشگاه شهید بهشتی)

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره‌های ۴ و ۱، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، صص ۱۹۸-۱۸۵

پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، برداشتی کاملاً متفاوت با گذشته نسبت به ترکیه دیده می‌شود. بر این اساس، از نقش جدید ترکیه به عنوان قدرت منطقه‌ای صحبت می‌شود که نظم و امنیت منطقه را بر عهده داشته و به عنوان الگوی یک کشور توسعه یافته مطرح می‌گردد. این گونه برداشت در خصوص اهمیت راهبردی ترکیه، رهبران سیاسی آن کشور را بر آن داشته است که نه تنها در جهت کسب قابلیت‌های لازم گام بردارند، بلکه از تأیید افکار عمومی نیز بهره‌مند شوند. در این زمینه، نقش رییس‌جمهور فقید ترکیه، تورگوت اوزال، از سایرین مهم‌تر بوده است، به طوری که در اواخر اکتبر ۱۹۹۲ در گردهمایی سران کشورهای ترک زبان در ترکیه، او سده آینده را «سده ترک‌ها» نامید.^۱ از این جهت، نقش منطقه‌ای ترکیه در دوران بعد از جنگ سرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش ترکیه در دوران جنگ سرد محدود به مقابله با کمونیسم بود و در مقابل، این کشور مورد حمایت ناتو قرار داشت. پایان جنگ سرد خطر جهانی را کاهش داد و بحران‌ها شکل قومی و منطقه‌ای به خود گرفت. حمله ارمنستان به آذربایجان، نسل‌کشی مسلمانان در بوسنی و جنگ خلیج فارس نمونه‌هایی از خطر واقعی بی‌ثباتی را نشان می‌دهد. از این منظر نقش این کشور در حفظ نتیجه این تغییرات در نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

از طرف دیگر، خاورمیانه منطقه‌ای نیست که اروپا نسبت بدان بی‌اعتنا باشد؛ زیرا علایق متعدد اقتصادی، سیاسی و راهبردی اروپا را به این منطقه متصل می‌سازد و بدین لحاظ، نسبت به حوادث آن نیز حساس بوده و واکنش نشان خواهد داد، مگر آنکه موانع جدی از انجام آن جلوگیری کند. با وجود این مسایل نزاع اعراب و اسرائیل، نفت و جنگ خلیج فارس باعث شده است کشورهای یاد شده نسبت به حوادث منطقه حساسیت نشان دهند و در ابعاد بین‌المللی، مهم‌ترین مسئله این منطقه از نظر سیاسی، نزاع اعراب و اسرائیل و از نظر اقتصادی نفت بوده، که البته بازار منطقه هم به تدریج همراه با افزایش قیمت نفت اهمیت یافته است. در نتیجه از یک طرف، سیاست غرب در حمایت از اسرائیل و از طرف دیگر، نفت و بازارهای وسیع و منافع اقتصادی غرب هم چیزی نیست که بتوان از آن گذشت. این وضعیت دوگانه، زمینه حضور اروپا را در خاورمیانه فراهم کرده است.^۲ در نهایت، به علت

اهمیت خاورمیانه برای ترکیه و اروپا و همچنین ترکیه برای تأمین اهداف و منافع خود و اروپا در صدد است با ایفای نقش منطقه‌ای و بیان اولویت‌های این کشور در عرصه بین‌الملل، روابط همه‌جانبه خود را با اعضای اتحادیه اروپا گسترش داده و موجب حفظ مشارکت راهبردی خود با غرب شود.

پیامدهای منطقه‌ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا

پس از مدت‌ها ابراز موافقتها و مخالفت‌های گوناگون و بحث و جدال در میان تمامی ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپایی، سرانجام اعضای این اتحادیه موافقت کردند مذاکراتشان با ترکیه را برای عضویت این کشور در اتحادیه یاد شده، به طور رسمی آغاز کنند. عضویت ترکیه در اتحادیه هم برای ترکیه و هم برای اروپا فرصت‌ها و مزایای فراوانی را در بر خواهد داشت. به طور اصولی اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، به دلایل متفاوت، هم عقیده هستند که ترکیه باید از امکان عضویت در اتحادیه اروپایی برخوردار باشد. عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی عوامل ژئوپلیتیک اروپا را دستخوش تغییر خواهد کرد؛ چون کشورهای سوریه، عراق و جمهوری اسلامی ایران همسایه مستقیم اتحادیه اروپا خواهند شد.^۳ همچنین، حضور ترکیه در تحولات منطقه‌ای و نقش آفرینی این کشور در منطقه در جهت تأمین اهداف خود، یعنی کسب ارزش و اعتبار سیاسی در بین کشورهای اروپایی و عضویت در اتحادیه اروپاست. بنابراین، با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نقشی که به جهت جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیکی خود برای غرب، به ویژه اتحادیه اروپا در محیط پیرامونی - به خصوص - در خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز دارد، می‌تواند از چند جهت حایز اهمیت باشد:

۱. تأمین امنیت انتقال انرژی از خاورمیانه به بازارهای جهانی و اروپایی؛
۲. جلوگیری از تبعات امنیتی ناشی از فروپاشی شوروی نظیر تروریسم، بنیادگرایی، مهاجرت و منازعات و مناقشات قومی و منطقه‌ای؛
۳. تحولات داخلی ترکیه نقش بسزایی در ظهور یا افول جنبش‌های اسلامی در منطقه دارد. بنابراین ترکیه به لحاظ نفوذ خود در منطقه تا حدودی می‌تواند در مهار «بنیادگرایی اسلامی» موفق عمل نماید؛

۴. ترکیه می تواند به عنوان تسهیل کننده و آزادی عمل و قدرت نمایی اتحادیه اروپا و آمریکا در منطقه خاورمیانه عمل نماید؛^۴

۵. توسعه و تحکیم دموکراسی و ارزشها و نهادهای سکولار غربی و اثبات سازگاری اسلام و دموکراسی و سکولاریسم.

به نظر می رسد غرب در پی برطرف کردن نگرشهای عمیق ضد اروپایی در خاورمیانه و در پی خاموش کردن کانونهای آموزشی تروریستی و برچیدن بساط افکار ضد غربی در منطقه است. همچنین فروپاشی و پایان نظام دو قطبی، موجب نگرانی عمده دنیای غرب در آسیای مرکزی و قفقاز با گسترش بنیادگرایی اسلام گردیده است؛ اما ترکیه می تواند پل ارتباطی غرب با این کشورها باشد و به عنوان الگو و مدل فرهنگی و اقتصادی آنها مطرح شود. تحقق الگو و مدل ترکیه در کشورهای منطقه، می تواند دشمنی و عنادی را که این کشورها نسبت به کشورهای اروپایی دارند، کاهش دهد.^۵ با توجه به مباحثی که مطرح شد، به نظر می رسد معیارها و ملاکها برای ارزیابی پیامدهای منطقه ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا فراهم شده باشد. بنابراین، در این بخش تلاش می شود عوامل و پیامدهای مؤثر و مهم تحلیل و تبیین گردد:

۱. ترکیه ناگزیر است به تدریج معیارهای اتحادیه اروپایی را در روابط با کشورهای منطقه اعمال کند. اگر اتحادیه اروپا کشوری را در منطقه تحریم کند یا سیاست ویژه ای را در برابر آن در پیش گیرد، ترکیه نیز گذشته از منافع ملی خود باید از آن پیروی کند. با آنکه ترکیه از آغاز سده بیستم راهی کما بیش جدا از دیگر کشورهای مسلمان، مبنی بر جدایی دین از سیاست پیموده و روابط و پیمان نظامی و سیاسی با غرب داشته است، این وجه از سیاست داخلی و خارجی، ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت که به آن شکل سراسر اروپایی می دهد. پذیرش این امر از سوی کشورهای همسایه مسلمان و محافظه کار، بی گمان تحولاتی را در پی خواهد داشت که به نوبه خود، هم در اوضاع داخلی و هم در روابط دوجانبه این کشور اثر خواهد گذاشت.^۶ در این راستا امید اروپا و آمریکا آن است که عضویت ترکیه و تقویت دموکراسی در آن، به انتشار ارزشهای غربی در کشورهای همسایه بینجامد و به نوبه خود، ترکیه الگویی برای این کشورها باشد. همچنین نوع تفکر آنها نسبت به غرب دگرگون و موجب

تضعیف کانونهای مقاومت در کشورهای اسلامی شود.

۲. ورود ترکیه به اتحادیه اروپایی سند غیر قابل انکاری برای اثبات این خواهد بود که اروپا یک باشگاه مسیحی بسته نیست. این موضوع ماهیت اتحادیه اروپایی را به عنوان جامعه‌ای با مدارا و تحمل که قدرت خود را از گوناگونی اش می‌گیرد و با ارزشهای مشترکی چون آزادی، دموکراسی و حکومت قانون و احترام به حقوق بشر منسجم مانده است، اثبات می‌کند. در قرن ۲۱، یک اروپای چند قومی، چند فرهنگی و چند مذهبی که ترکیه را در درون خود پذیرفته باشد و می‌تواند پیام محکمی به بقیه دنیا بفرستد و بگوید که «جنگ تمدنها» سرنوشت گریز ناپذیر بشر نیست؛ از این راه اتحادیه اروپایی می‌تواند نقش قابل توجهی در آینده روابط غرب و دنیای اسلام ایفا کند. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، در دیدار سال گذشته خود از آلمان گفت: «اتحادیه اروپایی یک کانون مسیحی نیست، بلکه مجموعه سیاسی از ارزشهای مشترک است. ترکیه با پیوستن به این اتحادیه نقش مهمی را در جلوگیری از جدایی فرهنگی و سیاسی ایفا خواهد نمود و در راه تحقق صلح و پایداری و امنیت در اروپا کمک مؤثری خواهد بود.»^۷

۳. فراهم آوردن امکان پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی، اعتبار سیاست اروپا را در قبال کشورهای مسلمان نیز افزایش خواهد داد و در شرایطی که اتحادیه اروپایی درصدد به دست آوردن مسئولیت بیشتر در منطقه است، پذیرش ترکیه در این اتحادیه، تواناییهای این قاره را به عنوان یک بازیگر سیاست خارجی تقویت می‌کند. ترکیه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود به تلاشهای اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی در خاورمیانه، مدیترانه و آسیای مرکزی و قفقاز ابعاد جدیدی می‌دهد. از آنجا که ترکیه موقعیت بی‌همتایی دارد که به آن اجازه می‌دهد به عنوان رابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین مناطق مجاور آن و به طور کلی غرب عمل کند، با پیشرفت روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، این نقش تسهیل خواهد شد.

۴. توان نظامی ترکیه و قابلیت‌های این کشور به نفع سیاست دفاعی و امنیتی اروپاست. ترکیه با پیوستن به اتحادیه اروپا، می‌تواند نقش مهمی را در جلوگیری از جدایی فرهنگی و سیاسی غرب و خاورمیانه و جهان اسلام ایفا کند و در راه تحقق صلح پایدار و امنیت اروپا گام

بردارد. در تعریف جدید اروپایی ها، مهم ترین تهدیدهای امنیتی اتحادیه اروپا در آینده از جنوب این قاره خواهد بود. حتی اگر روسیه بخواهد در آینده اروپا را تهدید کند، این تهدید نه از طرف شرق، بلکه از سمت بالکان، خاورمیانه و خارج نزدیک خواهد بود. در صورتی که سیاست دفاعی و امنیتی اروپا (ESDP) براساس هویت اروپایی و عضویت در اتحادیه اروپا گسترش پیدا کند و موجب حاشیه ای شدن نقش امنیتی ترکیه در اروپا شود، منافع غرب در مناطق پیرامون ترکیه با چالشهای جدی مواجه خواهد شد. تکثیر سلاحهای کشتار جمعی در مناطق پیرامون ترکیه موجب توجه به این واقعیت گردیده که اتحادیه اروپایی به تنهایی قادر به مقابله با این پدیده نیست.^۸ از طرف دیگر تهدیدهایی همچون تروریسم، گسترش سلاحهای کشتار جمعی، منازعات منطقه ای، دولتهای بحران زده و جنایتهای سازمان یافته، نظیر قاچاق موادمخدر، مهاجرتهای غیرقانونی و قاچاق انسان که یک نکته مهم تقریباً در تمامی این تهدیدها مشترک است، نگاه تهدید محور اروپا در مورد این مسایل به منطقه خاورمیانه است. از دیدگاه اروپا، خاورمیانه منطقه ای است سرشار از منازعات که خطر گسترش سلاحهای کشتار جمعی در آن بیش از هر منطقه دیگر دیده می شود. بنابراین در صورت پذیرفته ترکیه در اتحادیه اروپا، مرزهای اروپا تا خاورمیانه گسترش خواهد یافت و این یعنی تغییر در ساختارهای امنیتی متداول در اروپا و اتحادیه اروپا برای حفظ امنیت در اروپا نیازمند وجود ترکیه قدرتمند در منطقه بحران خیز و بی ثبات خاورمیانه و نیز قفقاز است تا با ایفای نقش برجسته منطقه ای، موضع خود را برابر آمریکا و اروپا بهبود بخشد و ارزش و اعتبار منطقه ای خود را به اثبات رساند.

۵. ورود ترکیه به اتحادیه اروپا منافی برای منطقه خواهد داشت. از آنجا که منطقه دارای منابع عظیم نفت و گاز می باشد و با توجه به اهمیت انرژی در غرب، موجب می شود که مسئله صدور گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه تقویت شود که از یک طرف موجب اهمیت کشورهای منطقه از جمله ایران در بین کشورهای اروپایی شده، و از طرف دیگر، اتحادیه اروپا به امنیت و صلح در منطقه حساسیت نشان خواهد داد و نیز، منافع و سود اقتصادی برای ایران خواهد داشت، علاوه بر این قدرت چانه زنی کشورهای منطقه به ویژه ایران در برابر آمریکا افزایش خواهد یافت. خطوط لوله طراحی شده برای انتقال نفت و گاز منطقه خزر به اروپا در

نهایت چه از ایران بگذرد یا نه، به اجبار از ترکیه خواهد گذشت. بنابراین، ارزش جغرافیای ترکیه به عنوان منطقه اتصال تولید و مصرف کنندگان انرژی دست نخورده باقی مانده است و ترکیه مقام بزرگی را در گذرگاه انرژی به اروپا داراست. بندر جیحان در حال تبدیل شدن به مهم‌ترین بندر صادراتی و توزیع نفت برای عراق و انرژی دریای خزر است. ایران نیز برای انتقال نفت و گاز خزر از طریق خط لوله به ترکیه روی خواهد آورد، از این رو ترکیه ارزش سیاسی این موفقیت را کاملاً درک می‌کند و برای اجرای آن برنامه‌ریزی کرده است.^۹ در نتیجه انتقال انرژی از طریق خطوط مختلف برای امنیت مصرف‌کننده اهمیت ویژه دارد و کنترل این انتقال توسط ترکیه به این کشور قدرت سیاسی و چانه‌زنی بالایی خواهد داد و به ناچار این کشور ارزش و موقعیت افزون‌تری در سیاست‌های بین‌المللی پیدا می‌کند و این موقعیت به افزایش نفوذ ترکیه در اتحادیه اروپا از یک طرف و دست‌بالا داشتن در ارتباط با ایران و آسیای مرکزی از طرف دیگر، منجر خواهد شد.^{۱۰}

۶. هانتینگتون، طراح نظریه برخورد تمدن‌ها، می‌کوشد تصویری از جهان سیاسی پس از جنگ سرد ترسیم کند. وی به جای مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک زمان جنگ سرد، خطوط گسل میان تمدن‌ها را مطرح می‌کند که از دید او بسیار بحران‌خیزتر از مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک در دوران جنگ سرد است. در دو سوی این گسل خطرناک، تمدن‌های مسیحی و اسلامی قرار دارند و به نظر هانتینگتون، جایی بسیار کلیدی دارد. وی تلاش می‌کند بیشتر تحركات در جهان اسلام را به خاورمیانه مربوط بداند.^{۱۱} در نتیجه، در صورت موفقیت آمیز بودن روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، می‌توان به روشنی نشان داد که اسلام توانایی تبدیل شدن به بخشی از فرهنگ اروپا را داراست. به علاوه، این امر افسانه ستیز اجتناب‌ناپذیر بودن تمدن‌ها را از بین خواهد برد و ترکیه می‌تواند به عنوان واسطه در جهت سازش دو تمدن اسلامی و مسیحی عمل کند. پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که مسیحیان و مسلمانان نه تنها در یک کشور فرضی مانند انگلستان، فرانسه و آلمان می‌توانند در کنار هم زندگی کنند، بلکه قادرند که در یک اتحادیه، منافع مشترکی را پی‌گیرند و با این اقدام تبلیغات اسلام‌گرایان تندرو و برخی از گروه‌های تند اروپایی در عمل بی‌اثر می‌شود. علاوه بر این، برخی سیاستمداران و تحلیلگران عضویت ترکیه را ابزاری می‌پندارند برای رد نظریه

تروریست‌هایی که آشتی اسلام و مسیحیت و همکاری این دو را ناممکن می‌دانند.

۷. پذیرفته شدن ترکیه در اتحادیه اروپا یک تحول بسیار مهم و حیاتی در روابط میان اروپا و کشورهای اسلامی خاورمیانه خواهد بود. پذیرفته شدن ترکیه راه را برای عضویت کشورهای مسلمان بالکان و حتی چند کشور اسلامی منطقه در چند دهه آینده هموار خواهد کرد. اگر مسایل امنیتی خاورمیانه حل و فصل شود و اروپا در صدد حضور مؤثر در خاورمیانه باشد و هویت اروپایی نه مذهبی، بلکه فرهنگی تعریف شود، این امکان وجود دارد کشورهای چوچون آذربایجان، ارمنستان و گرجستان هم به جمع کشورهای اروپایی بپیوندند. در یک حالت تعاملی، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا باعث تغییر بهبود نگرش غربی‌ها نسبت به مسلمانان و به خصوص کشورهای اروپایی مثل ایران خواهد شد و این یک فرصت محسوب می‌شود. از این منظر، وارد شدن ترکیه در اتحادیه به معنای وارد شدن در گفتمان اتحادیه اروپا و پذیرش عناصر گفتمانی آن است.^{۱۲}

۸. در زمینه اقتصادی، همچنان که در شرایط و ضوابط مندرج در برنامه‌های اتحادیه برای ترکیه آمده، ترکیه ناگزیر است هرگونه موافقت‌نامه تجاری با دیگر کشورها را به اطلاع اتحادیه برساند و باید در چارچوب تعیین شده از طرف اتحادیه حرکت نماید؛ یعنی انعقاد هرگونه موافقت‌نامه تجاری ترکیه با دیگر کشورها از جمله با جمهوری اسلامی ایران که بتواند بر کلیات اقتصاد کشورهای عضو اتحادیه تأثیر داشته باشد، الزاماً باید با نظر مثبت اتحادیه به امضا برسد. همچنین عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در درازمدت، با دریافت کمک‌های اقتصادی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و در پی آن تقویت اقتصاد کشور و افزایش سطح زندگی مردم، تأثیری اقتصادی در کشورهای منطقه خواهد داشت. از طرف دیگر، بخش خصوصی ترکیه نقش مهمی در روابط ترکیه با کشورهای مهم منطقه و به تبع آن ثبات منطقه‌ای دارد. هم‌اکنون بخش خصوصی این کشور در روسیه، جهان عرب، قفقاز، بالکان و آسیای مرکزی حضور فعال دارد. اهمیت اقتصادی ترکیه در منطقه به عنوان پلی بین بازارهای اروپایی و آسیای مرکزی، به جذابیت ترکیه برای سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر افزوده است و موجب کاهش تنش‌های موجود در منطقه شده و تعامل و تفاهم منطقه‌ای را فراهم نموده است.

۹. در زمینه سیاسی، چنان که ترکیه در مسیر ورود به اتحادیه بتواند مشکلات و مسایل

خود را با اقلیتهای قومی حل و فصل نماید، این امر می تواند بر وضعیت اقلیتهای قومی مشابه در کشورهای منطقه تأثیرگذار باشد و آنها را تشویق نماید تا در جهت کسب امتیازات خاص خود تلاش نمایند.

۱۰. افزون بر این، ورود ترکیه به اتحادیه اروپایی بر تحولات سیاسی داخلی در سایر کشورهای اسلامی تأثیر خواهد گذاشت. عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به عنوان یک کشور اسلامی و مسلمان، از نظر فکری در تقویت جریانها و گرایشهای معتدل و میانه رو و سازگاری سیاسی با غرب مؤثر واقع می شود. این مسئله به ویژه در حال حاضر با طرح آمریکاییها در منطقه تحت عنوان «خاورمیانه بزرگ» بیشتر تأثیرگذار خواهد بود. با اینکه در ترکیه نوعی اجماع فکری و روانی برای کار با غرب در منطقه وجود دارد و سیاست خارجی ترکیه در چارچوب این سنت می گنجد، اما چنین اجماعی در منطقه وجود ندارد و در فرهنگ سیاسی منطقه به ویژه خاورمیانه کار با غرب و خارجی مشکلات فراوان فرهنگی و روانی دارد. در این حالت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به جریانها و گرایشها انگیزه می دهد که هر چه بیشتر در جهت تقویت حضور تفکرات خود فعالیت نمایند. از سوی دیگر، با توجه به حادثه یازده سپتامبر، تحولات خاورمیانه و به ویژه طرح «خاورمیانه بزرگ»، فضای خارجی موجود نیز با این درخواست همراهی دارد. از آنجا که یکی از اهداف غرب در منطقه، مبارزه با بنیادگرایی اسلامی است، غرب و اتحادیه اروپا مایل نیستند که در خاورمیانه به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز میدان برای نفوذ رقیب ترکیه، یعنی ایران خالی باشد، زیرا غرب به ویژه آمریکا، از رشد اسلام سیاسی در این منطقه به شدت واهمه دارد و با تحركات ایران در منطقه بر پایه اعتقاد دینی مخالف است و تمایل دارد که کشورهای منطقه الگوی ترکیه را در ابعاد دموکراسی، لائیسزم و اقتصاد بازار بپذیرند و به آنها تفهیم شود که نزدیکی با غرب به آنها به این انتخاب بستگی دارد. جیمز بیکر، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا، اظهار داشت: «ترکیه باید، پیش از دیگران و قبل از اینکه انقلاب اسلامی ایران منطقه را به سوی بنیادگرایی اسلامی بکشانند، خود را در آسیای مرکزی وارد سازد.»^{۱۳} همچنین در این رابطه سلیمان دمیرل می گوید: «ترکیه تنها کشور منطقه است که سازگاری اسلام، دموکراسی و سکولاریسم را به اثبات رسانده است. ما نسبت به مسئولیتهایمان در مقام یک عضو مشترک المنافع دموکراسی واقف بوده و بر تعهد به ارتقای

موانع نقش منطقه‌ای ترکیه

بی‌گمان نقش آفرینی و قدرت‌نمایی ترکیه در گستره منطقه‌ای و به ویژه خاورمیانه، بدون موانعی که از دامنه نفوذ و اثرگذاری آن کشور در خاورمیانه بکاهد، نیست و سبب شده است پیوندهای ترکیه با کشورهای خاورمیانه از جمله پیوندهای سیاسی و فرهنگی آن سست گردیده و رفته رفته خلاء فکری و ارزشی در این زمینه پدید آید. از جمله روابط ترکیه با اسرائیل، تحولات داخلی ترکیه، لایه‌های متناقض فرهنگی و فکری در منطقه و ملی‌گرایی عربی تا حدی این کشور را به سراشیبی خروج از معادلات خاورمیانه کشانده است. پیدایش تعارضات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بین ترکیه و کشورهای خاورمیانه عملاً نقش آفرینی ترکیه را در منطقه با مشکل مواجه می‌سازد.

۱. با توجه به لایه‌های متناقض فرهنگی-فکری در هر کشور این منطقه از پاکستان گرفته تا مراکش، فرایندهای اجماع‌سازی برای تدوین راهبرد ملی، روشن شدن افق‌های سیاسی و مشی‌مدیریتی بسیار مشکل است. برخلاف جوامعی مانند روسیه، لهستان، مجارستان، جمهوری چک و حتی چین، مالزی و هند که نوعی تعاریف درازمدت و باثبات از مباحث فلسفی، فکری و سیاسی در آن تبلور پیدا کرده است، در منطقه خاورمیانه این فقدان اجماع نظر به وضوح مشاهده می‌شود. چنین وضعی به نوبه خود در رشد اقتصادی و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه مانع ایجاد خواهد کرد و حضور ترکیه را در منطقه با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت.

۲. با وجود تحولات اساسی و مهم که در ترکیه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است، مسئله کردها، اسلام و سکولاریسم و روابط نظامیان و غیرنظامیان از اصلی‌ترین مسایل آینده ترکیه هستند. وجود مشکلات اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی ترکیه مانع از بسط حوزه نفوذ این کشور در محیط پیرامون خود می‌شود؛ به طوری که مشکلات سیاسی و بی‌ثباتیهای ممتد در قدرت و کانون تصمیم‌گیریهای ترکیه و همچنان اقتصاد ضعیف این کشور، از مهم‌ترین عوامل محدودکننده قدرت منطقه‌ای آنکارا

به شمار می‌روند. اما با وجود موانع موجود در خصوص نقش جدید ترکیه در محیط پیرامونی و منطقه‌ای که عنوان شد، «دوستی با غرب» همچنان مهم‌ترین محور سیاست خارجی آنکارا را در منطقه تشکیل می‌دهد.

۳. یک اعتقاد قومی در میان کشورهای عربی خاورمیانه وجود دارد که ترکیه طرفدار جهان غرب و ارزشهای غربی است و جهان غرب برای آنان به معنای ادامه نفوذ قدرتهای استعماری سابق مانند فرانسه، انگلیس و بازیگر جدید خاورمیانه، یعنی ایالت متحده آمریکا به دلایل حمایت جدی این کشور از اسرائیل است. در این میان ترکیه با یک سوء ظن جدی مواجه است که، ترکیه عضو جهان غرب و ناتو و همچنین دوست صمیمی ایالات متحده است و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد که در چارچوب سیاست سد نفوذ در منطقه عمل کند. بنابراین ترکیه هنوز مظنون باقی مانده است، عمیق‌تر از این مسئله، وجه افسانه‌ای ملی‌گرایی عربی است. این نوع از ملی‌گرایی با ساخت اسطوره‌های بنیادین که ترکیه را به عنوان ادامه استعمارگر اسبق یعنی امپراتوری عثمانی می‌دانند، در برابر اقدامات ترکیه در منطقه از خود واکنش نشان می‌دهند.

۴. روابط ترکیه و اسرائیل پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی را می‌توان بی‌شک یکی از مهم‌ترین رویدادهای بعد از جنگ خلیج فارس دانست که بر ترتیبات امنیتی و موازنه قوا تأثیر می‌گذارد. این روابط تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر منطقه خاورمیانه و توازن قوا در این منطقه حساس دارد. از این دیدگاه، پیمان نظامی موجود بین ترکیه و اسرائیل، یکی از تحولات سیاسی از زمان پایان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی به حساب می‌آید. در همین راستا، «تورگوت اوزال» رئیس جمهوری سابق ترکیه، روابط با اسرائیل را به عنوان «دو پنجره‌ای به سوی حوادث آینده» ارزیابی کرد. او مدعی بود که این پنجره باید برای ترکیه باز بماند تا بتواند نقش فعالی در حل معضلات خاورمیانه‌ای این کشور ایفا کند.^{۱۵} همکاری دو کشور نیروی جدیدی در منطقه به وجود آورده که نقش آن در منطقه درخور توجه است و اعراب به این همکاری با چشم به هم خوردن توازن در منطقه می‌نگرند. به نظر کشورهای عربی منطقه از آنجا که ترکیه استقلال اسرائیل را در سال ۱۹۴۸ به رسمیت شناخت و سپس عضوی از جهان عرب قلمداد شد، ترکیه دشمن کشورهای خاورمیانه‌ای تلقی می‌شود و

چنین روندی باعث شده است تا سیاست اعراب به سیاست ضد غربی، ضد عثمانی و ضد ترکی آلوده شود. در مجموع، حضور ترکیه در منطقه خاورمیانه با مشکلات و موانع روبه‌رو می‌باشد. وضعیت سیاسی و اجتماعی منطقه خاورمیانه در چنان حالتی قرار دارند که هیچ یک از دولت‌های منطقه توان و تحمل گذار از مرحله فعلی به درون دموکراسی غربی را ندارند. اقتصادهای بسته و متکی به نفت، وجه اشتراک اکثر کشورهای واقع در منطقه خاورمیانه است. هر چند وجود موانعی چون نظام آموزشی ناکارآمد، تضییع حقوق بشر و بحران مشارکت، نقش پررنگ سنت و مذهب، فقدان نظام حزبی و آینده صلح خاورمیانه مانع تحرک ترکیه در منطقه شده است، اما فرآیند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا عاملی مؤثر در تحولات خاورمیانه محسوب می‌شود. اگرچه چنین مسایل و مشکلات حاد در خاورمیانه، اعتقاد به یک ترکیه مدرن که خاورمیانه‌ای جدید و مدرن را به دنبال خواهد آورد تفکری امیدوارانه تلقی می‌شود، اما اروپا ترجیح می‌دهد شاهد موفقیت ترکیه در خاورمیانه باشد.

نتیجه‌گیری

ترکیه همواره شرایط راهبردی پر اهمیت خود را حفظ کرده و با فروپاشی کمونیسم در شوروی و اروپای شرقی، نه تنها از اهمیت آن کاسته شده که بر آن نیز افزوده شده است. نیمه اروپایی بودن جغرافیای ترکیه، نه تنها کمبودی به شمار نمی‌رود، بلکه نوعی امتیاز است و قرار گرفتن این کشور در همسایگی ایران، عراق، سوریه، ارمنستان و گرجستان و نفوذ آن در جمهوریهای پیشین شوروی، همه و همه می‌تواند شکل تازه و مطلوبی را به نقشه جغرافیایی و راهبردی اتحادیه بدهد. روابط ترکیه و اتحادیه اروپا اهمیت بسزایی برای منطقه دارد؛ زیرا اروپا ناگزیر است به منظور تأمین امنیت خود، به همکاری با کشورهای چوچون عراق، ایران و سوریه را گسترش دهد تا از مرزهای کشورهای منطقه خطری متوجه صلح و امنیت اروپا نشود. چرا که بدون تعامل با کشورهای منطقه، مرزهای اروپا نفوذ پذیر گشته و هرگونه حادثه و مشکل در یک کشور منطقه به ویژه در ایران به سادگی می‌تواند به کشورهای اروپایی سرایت کند. حساسیتهای اروپا نسبت به مسئله تروریسم، بنیادگرایی اسلامی، منازعات قومی و قبیله‌ای، خطر فزاینده گسترش سلاحهای هسته‌ای و فناوری پیچیده نظامی و سایر موارد،

موجب می شود که اتحادیه اروپا تحولات مناطق پیرامون ترکیه را به دقت تحت نظر قرار دهد تا خطری متوجه غرب و منافع آن در منطقه نشود. در واقع ترکیه در تعاملات منطقه ای از جایگاهی بالا برخوردار است و توان نرم افزاری لازم را برای قدرت نمایی در گستره خاورمیانه دارد و روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بر دامنه نفوذ و اثرگذاری آن کشور در خاورمیانه افزوده است و چشم انداز آینده ترکیه را می توان در متن معادلات خاورمیانه یافت. ظرفیتهای فرهنگی و ارزش ترکیه نه تنها پیامدهای مثبت داخلی، بلکه آثار منطقه ای گسترده ای برای این کشور داشته است و قدرت چانه زنی ترکیه را در معادلات منطقه ای افزایش داده و موجب اقناع و ترغیب دیگران در پهنه منطقه شده است. از این رو، ترکیه می تواند به عنوان نماینده ارزشها و نهادهای سکولار تمدن غرب و وزنه تعادل اسلام گرایی در منطقه معرفی شود. همچنین، اروپایی ها معتقدند که از یک طرف، ساختارهای حکومتی در خاورمیانه بر مبنای حفظ ارزشهای دینی، محافل مذهبی گسترده ای در جهت تولید کانونهای ضد غربی به وجود آورده است که این محافل مذهبی به ویژه در عربستان با القای اندیشه های ضد دینی در پیروان خود مهم ترین کانونهای تعلیم تروریستی هستند و از طرف دیگر، منطقه خاورمیانه به دلیل اقتصاد نفتی از ثروتمندترین مناطق جهان در بین کشورهای جهان سوم است و به نظر اروپایی ها سرمایه حاصل از نفت باید به سمت مدرنیزاسیون کشورهای خاورمیانه هزینه شود، در نتیجه در این بین ترکیه حق پیاده کردن سیاستهای غربی و ارزشهای آنها را به نمایندگی از طرف غرب دارد. تصور می شود گرچه مسایلی مانند تنش و درگیریهای داخلی، ضعف اقتصادی، قدرت نمایی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین ادامه درگیری اعراب و اسرائیل و تبعات وجود ایران، سوریه یا عراق موقعیت و روابط منطقه ای ترکیه را پیچیده کرده است، اما محیط راهبردی پیچیده کنونی و سیاستهای متناقض و متعارض در منطقه موجب افزایش ارزش و اعتبار سیاسی ترکیه در غرب شده است و چالشهای امنیتی ترکیه موجب گرایش بیشتر ترکیه به سوی نقش منطقه ای شده و فرصتهای خوبی را برای این کشور فراهم آورده تا هدف و منافع ملی خود را در کشورهای همسایه پیش برد.

پاورقیها:

۱. هاینس کرامر، «آیا ترکیه در آینده قدرت منطقه‌ای خواهد بود؟» ترجمه احمد لواسانی، مجله سیاست خارجی، سال ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۱۵۹۳.
 ۲. احمد نقیب زاده، «جامعه اروپا و مسایل خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۰۸.
 ۳. جعفر نظر بیگی، «پیامدهای جهانی و منطقه‌ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰، ص ۵.
 ۴. رحمان قهرمانپور، «آینده روابط ترکیه و غرب: به سوی یک طرح استراتژیک»، (معرفی و نقد کتاب)، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، ص ۹۱.
 ۵. روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۹/۱.
 ۶. زهرا نوع پرست، «ترکیه و اتحادیه اروپا: دو دستگی آراء»، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال نوزدهم، شماره پنجم و ششم، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، ص ۹۱.
 ۷. جعفر نظر بیگی، پیشین، ص ۵.
 ۸. رحمان قهرمانپور، پیشین، ص ۱۳۴.
 ۹. جعفر نظر بیگی، پیشین، ص ۵.
 ۱۰. سید محمد حسینی، «ترکیه گذرگاه مهم انرژی»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰، ص ۷.
 ۱۱. سهراب عسگری، «نقش و جایگاه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۱۰-۲۰۹، بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۳، ص ۲۲.
 ۱۲. رحمان قهرمانپور، «ترکیه و آغاز مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا: درس‌هایی برای دولتمردان ایرانی»، ماهنامه برداشت اول، سال سوم، شماره بیست و یکم، ص ۵.
 ۱۳. فرهاد عطایی، «نگرش جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۱۳.
14. Suleyman Demirel, "Commentary," *The Middle East Journal*, Vol. 51, No. 1, Winter 1997, p. 51.
15. Meltem Muftuler, "Turkish Economic Liberalization and European Integration," *Middle Eastern Studies*, Vol. 31, No. 1, pp. 87-88.